

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0635

<http://hdl.handle.net/2333.1/1jwstqp9>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

۱۰



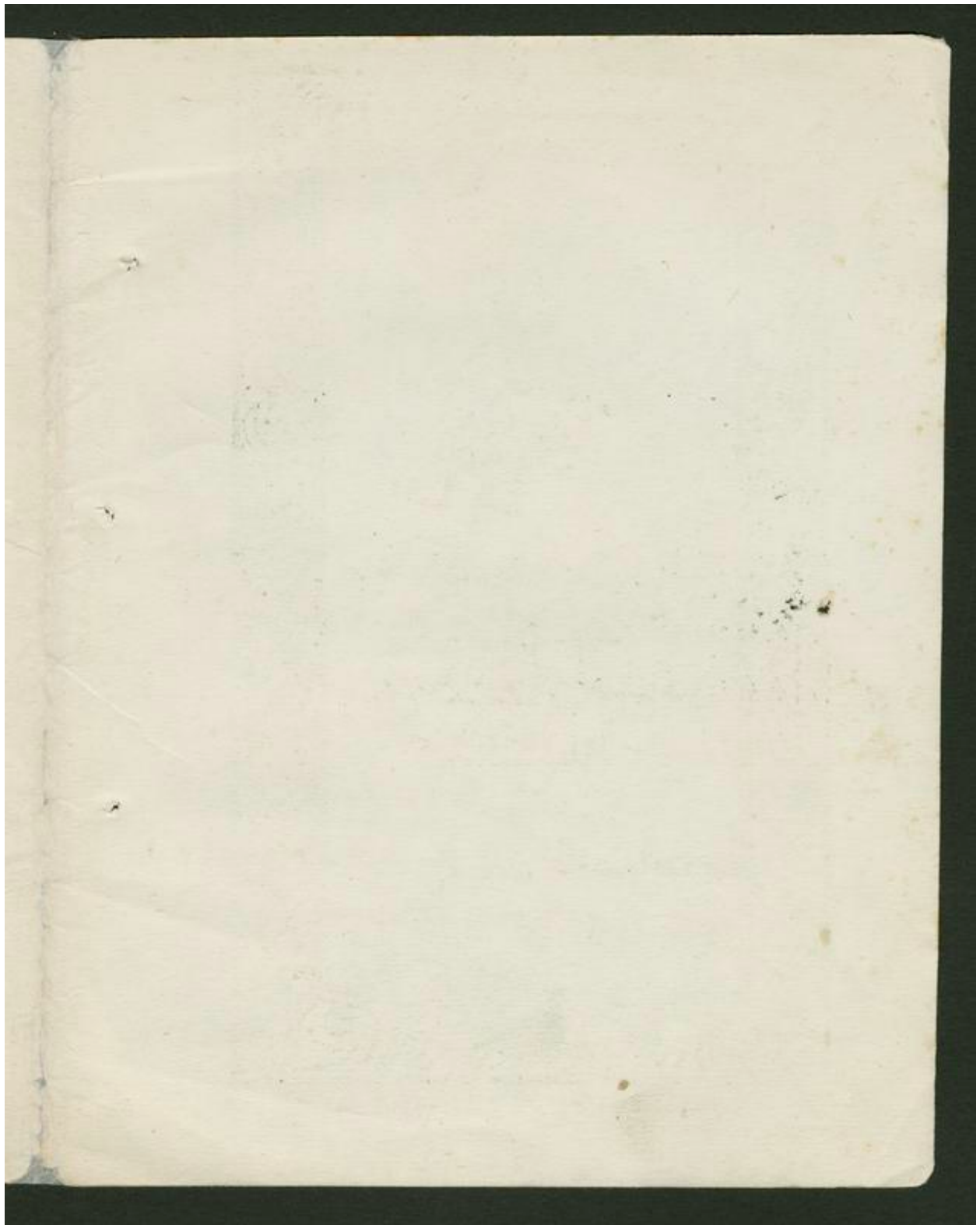
نظام مکتب

اجراءات تصفیہ محاسبہ ماضیہ

در مطبع شہرکت رفیق طبع گردید

۸ سنبلہ ۱۳۰۵

تعداد طبع ۶۰۰ جلد





(نظامنامه اجراءات تصفیة محاسبه ماضیه)

اصول کلیة

(۱) — ^{قاعده} در امائناتان تصفیة محاسبه ماضیه ذمگی مأمورین دولت و عهده داران و دیگر اشخاصیکه بالذات بدولت مسئول شناخته میشوند مطابق اجراءات ذیل تقبیل سے شود .

(۲) — غناب ذمت رعایا مطابق نظامات و اعلانات موجوده که داخل معاسف آمده است درین نظامنامه تطبیق و مراعت و صرف نظر کرده میشود .

(۳) — این نظامنامه تصفیة محاسبه ماضیه در باره محاسبه مأمورین و عهده براران و اشخاصیکه بالذات بدولت

مستول اند و از ابتدا اسنة قمری هجری مطابق ۱۲۸۳
شمسری الی آخر ۱۲۹۷ آخر سلطنت علحضرت شهید
مأموریت دولت بودند تطبیق داده میشو و براسرے
حسابات و باقیات ماقبل از ۱۲۸۳ آتیاً نظامنامه
جدد اگانه تنظیم خواهد یافت .
(۴) : —————
جمع خرج ماه او ارجه مانیکه تا حال قطع نشده و با
الآن معین نشده بقرار فقرات ذیل اجرا شود .
الف : حساباتیکه تعلق گدام داران و خزینه داران
و تولیداران دولت باشند اسم دولت و ساکن و
مأموریت شان براسرے نائب الحکومه و حکومتیهایی
اعلیٰ خبر داده شود که خود نفر یا خواسته در
مال و ملک و جاداد شان بواسطه علاقه دار
و قریه دار و کلاسرے منتخبه علاقه دار
علم آوری شود بدون از علم آوری جاداد و مال
و ملک او دیگر هیچ تکلیف بالایی او و تعلقات
او نشود پس از علم آوری صورت تحقیقات خبر
به مدیریت تصفیه محاسبه روانه کند .

ب: - مأمورین محاسبه علم در حساب مذکور در صورت
 که بعد از معزولی او مالک محاسبه ذمّه ای او
 موجود می شده و یا موجود نشده باشد اگر چه
 شده باشد اتمام کار مذکور بچند موعده و چه
 مصارف میشود جاداد شخص حسابده چنانکه اگر
 جاداد شخص حسابده اضافه و مصرف ساختن
 حساب او کمتر شود حساب او تمام و باقی
 او معین شود ، والا که شخص حسابده جاداد
 نداشته باشد و یا جاداد آن از مصرف ساختن
 حساب شان کمتر باشد و ساختن حساب
 آن حاصل بدولت نداشته باشد درین قسم
 حساب صرف نظر کرده شود .

ج: - محاسبانیکه قطع نشده باشد و تحویلداران
 و کارداران فوت و سرار و لا جاداد باشد
 مأمورین محاسبه علم خود را بیاورند که حساب
 تحویلی او بکجاست چنانکه می موجود است
 و یا موجود نیباشد اگر موجود باشد آدم مقرر کرده

محاسبه علم در حساب مذکور در صورت

موجودی و تحویل تحویلدار نماید و الا که موجود نباشد
بساختن حساب تکلیف زیاده و لا حاصل باشد
مهر نظر گرفته شود.

چون مدعا از حساب علم آوری دخل و خرج است
اگر جمع و خرج ساخته و باقی برآمده باشد
باقی از قرار جمع و خرج و اگر جمع و خرج ساخته
نشده باشد اول وجه قطع و تمام باشد از قرار
باقی اوارجه و اگر اوارجه نباشد روزنامه
در پودت که فاضل و باقی نوشته داشته
باشد و یا اوارجه رقم که رقم برقم آن باقی
برآمده باشد باقی حساب معلوم میشود هر قسم
حساب که باقی حال معلوم شود همان قسم
حساب درست است حاجت بساختن
جمع و خرج و خلاصه علیحدہ ندارد و الا که اوارجه
و روزنامه و جمع و خرج اسباب حساب
موجود نشود و نحو حامل و ضابط و کار دار
فوت و سرار و لا با و اد باشد صرف نظر

کرده شود.

(۵) - در باب حساباتیکه نام تمام باشد و قطع فیصله آن ضروری

ملاحظه شود بقرار فقرات ذیل اجرا شود.

الف - محاسباتی که عامل و ضابط مقرری داشت و

عامل و ضابط آن حیات باشد حساب است مذکور

را قطع و تمام نمایند.

ب - محاسباتی که عامل و ضابط داشته باشد

و فوت فسرار باشد و ورثه آن صاحب

باید اد باشد باید خود ورثه و یا وکیل او که موجود

باشد حساب را قطع کند و یا وکیل جدید بگیرد

و اگر ورثه مذکور نداشته باشد و یا ورثه داد

صغیر باشد از طرف دولت نویسنده فوتی

گرفته حساب مذکور تمام شود و نتواند بسند

از ورثه او گرفته شود.

ج - محاسباتی که تحویلدار و ضابط داشته باشند

علت عدم مقرری نداشته باشند و یا نویسنده

آن فوت فسرار و الا و ارث و یا الیجا داد بوده

فرمانت رئیس عبد الله بن محمد

باشد نویسنده موقوفی گرفته حساب مذکور قطع شود
تنخواه بقرار امضا برے مأمورین تصفیہ محاسبه
از دولت داده شود .

(۶) :- در باب تصفیہ باسره باقید آن که بعد از مجرائی در کاتیکه
در معطلی و تحقیق طلب مانده بود و بقرار قواعد شعبه اول
در تحت مجرائی و معارفه آمده باقی بزمه مأمورین دولت
و یا عهده برار مانده مأمورین تصفیہ محاسبه ماضیه صوت
باسره زمه کی اور تفصیل دار بنویسند اگر از ایالت کابل
باشد برای والی کابل روانه بدارند و اگر از ولایات حکومتها
اعلی باشد براسه نائب الحکومه یا حکام اعلی بنویسند که
(فلان شخص) ابن (فلان شخص) مأمور فلان اموریت
اینقدر وجه از فلان سال دادن دارد و خود او را خواسته
مدل می کنند که اگر بزمه خود باسره مذکور را حق بدانند
خط قبولی با شرائط رسانیدن آن بهر محکمہ شرعیه
گرفته روانه کند و الا که وجه مذکور را بزمه خود حق ندانند
و رسید و سند حسابی داشته باشد که در مجرا برے
محاسبه او ملاحظه نشده باشد نقل سند است

محکم دلیلی بر اینست که این سند در محکمہ شرعیه
در کابل موجود است و در کتبخانه
مجلس شورای اسلامی ایران
در کتبخانه مجلس شورای اسلامی
در کتبخانه مجلس شورای اسلامی

اورا بتاریخ و سال و اسم تجویدار و ثبت صفحه کتاب
که بآن ثبت است ورق ساخته بحضور حکومتی حاضر
دارد که علم در سندات او بیاورند و بعد از علم آوری
ورق مذکور را در وائزه تصفیه محاسبه ماضیه رسانند
که در حسابات او تطبیق بدهند و الا که سند و دست آویز
نداشته باشد خط شرعی گرفته شود که الی (۳) ماه بکابل
حاضر شود و در فیصله حساب خود علم بیاورد اگر از دو ماه الی
۶ ماه حاضر نشد وجه باقی قطعاً بالاسباب او حواله شود.
(۴) — جمع و خرج مانیکه قطع شده و یا اوارجه مانیکه تمام شده و
باقی آن معین شده علاوه بر سنجش ملاحظه سندات
ضرورت ندارد بهمان صورت که فیصله شده درست است
باقی آن بقرار قواعد مقرره که ایضاً یافته فیصله شود.



نظام امیر آت

(۸) - استخاضه که در یک مأموریت دولت مستخدم بوده و وقت
کرده اند در زمان خدمت تنخواه براساس او داده نشده
و حالاً در محاسبه خود اقیسدار است بقدر ذیل اجرا
و تطبیق شود

الف - اگر تنخواه شخصی و یا وظیفه و یا مستمری از طرف
دولت براساس او مقرر بوده و تنخواه زمان مأموریت
او تمام داده نشده باشد تنخواه شخصی یا وظیفه
و یا مستمری زمان مأموریت او بعوض باقی
او بعد تحقیق که از دیگر دفتر نمبرده باشد مجری
داده شود.

ب - اگر تنخواه شخصی و یا وظیفه و یا مستمری مقرر
نداشت سه سال قبل از ملازمت و مأموریت
او تدقیق شود و مقرر شود تنخواه که براساس کار و کار
داده شده است و یک ساله مذکور تنخواه

یکسال از او مشحوره شود و اگر بستان تخواه سه ساله بستان
 نشود از روی بستان تخواه یکساله گذشت هر قدر که
 لازمست که و به باشد براسه او مجری داده شود .
 ج: - اگر در گذشتن امور این بستان تخواه نبرده باشند
 در این صورت دیگر امور بستان که کار آن مطابق حد
 او بوده باشد تطبیق داده تخواه براسه او مجری
 داده شود .

(۹) - تخواه مال و ضابطه و تولیدار و پیاده و تراز و دار و وظایف
 و مستمری مستمری خوران و مکانها مکان از قسرها
 مقرری همه ساله و منظوری گذشت در جمع و خرج
 مجری شده و خرج دسترخوان حکومتها و مخارج جشنها
 و عیدین که بقرار حکمانه حکام ماضیه و جمع و خرج
 مجری شده و باز بقیه مستند طلب بازگشت شده و
 در بستان آمده مطابق مقرری و منظور بستان گذشت
 و مطابق حکمانه براسه حکام که در خصوص خرج دستر
 خوان و مخارج جشنها و عیدین احکام نموده اند مجری
 شود و اگر در جمع و خرج مجری نشده باشد هم بقرار مقرری

مجرای داده شود .

(۱۰) : — در باب معطلی تراله زده گے و بلخ خوردہ گی و آب بردہ گی
 املاک و خشک و خراب و قنات و کاریز محرو بہ و زمین
 مانیکہ داخل سرک رفتہ باشد و یا داخل رباط شدہ
 باشد و فوفی و سراری اصنافیکہ در جمع مأمور یا عہدہ
 برار آمدہ باشد و یا منک زده گی و یا سوختہ گی غلہ کہ در جمع
 و خرج مابصیغہ سند طلب معطل ماندہ باشد اگر در بہان
 زمان مجلاے شرعی و یا عرفی و یا تصدیق حاکم و دفتر ہی
 شدہ باشد بقرار مجلا و تصدیق مذکور مجرای داده شود، در باب
 املاک آب بردہ و خشک و خراب علی التفصیل برائے
 مستوفیان حالہ اطلاق دادہ شود کہ اگر آیندہ و اسپن آید
 شدہ باشند و در جمع دفتر جدید و یا غیرہ نیامدہ باشد
 افزود کردہ شود و اشخاصیکہ اصنافہ شان بدفتر داخل
 بودہ از پیشہ خود دست بردار شدہ باشند بقرار مجلا
 و تصدیق حکام نیز برای شان مجرای دادہ شود .
 (۱۱) : — در باب درکات الاقبوسہ رایا کہ بقرار اوقاع
 زوما طلب و یا پورٹ مجری یا قلمداد ملک در جمع

قریه جات بسته شده و رعایا قبول دارند شده در گذشته
و آینده گرفته نشده وجه مذکور را از سانسیده اند و
در حسابات در باقی بصیغه لا قبول افتاده درگاه
مذکور بخرج حسابات مذکور مجری شود .

(۱۲) : — در خصوص بذل املاک سرکاری و تنخواه مرکب کار و
باغبان و خوراک مرکب و مصارف و مصالح الاملاک
که مطابق سر رشته دفتر مجلات شرعی و یار سید
عرفی در جمع و خرج ما مجری شده بود در جن بخش
حساب بصیغه سند طلب بازگشت شده و تا حال
سند سرکاری گرفته نشده و در باقی افتاده مطابق
سر رشته دفتر که حاصل از بذل کم نباشد و یا بنا بر آفات
کسر کرده باشد بقرار قبض شرعی یا عرفی و اوقین و جیره
خوراک مال و تنخواه مرکب کار و باغبان در جمع و خرج ما
مطابق بست سابقه مجری داده شود .

(۱۳) : — باقی جنس غله باب که در باقی جمع و خرج افتاده
و قیمت آن از قسرا تسعیر مندومی ولایت شده
چون هر محال بخود تسعیر و قیمت علحدہ دارد و قیمت هر کدام

در ثبت زمین کل احمد ۴۰۰۰۰۰

موافق قیمت خود همان محال گرفتار شود اگر قیمت
محال معین نشود کراهیه آن از رویه بعد مسافت
مندوب مطابق رواج رعیتی و محصول آن فیصد پنجم
مجری کرده شود.

(۱۴): — در باب کراهیه کدام که غله و اجناس سرکار براساس
در رسید کدام را گرفته معطل رسید شرعی و یا برات
سرکار و دفتر بوده در جمع و خرج باجری شده و
در ثانی بدیوان بخش بازگشت شده و در باقی
بصیفه و سند طلب افتاده کراهیه مذکور مطابق سند
یا جمع کدام دار و اندازده استبعاد مواضع و قاعده
گذشته مجری داده شود.

(۱۵): — رسیدات کدام انداران که اساسی رعایا بدست دارند
در رسیدات مذکور را کدام انداران و یا تولیداران در جمع
خود بسته نکرده بدیوان بخش رسید مذکور را داخل
افاضه برباقی عامل نموده در تحقیق طلب مانده است
و اما مال بخرج مجری نشده رسیدات مذکور بعد از
تحقیق مهر کدام دار و تولیدار بخرج سالان مجری

رسیدات کلی
در باب کراهیه

داده شود .

الف: گد امداران و تحویلداران که بیایان باشند
و یا جاداد داشته باشند یا لاسرے خودشان
حواله شود .

ب: اشخاصیکه دست و سرار و لاجاداد باشند
از دولت مجری داده شود .

(۱۶): مأمورینیکه بعد از قطع محاسبه در حسابات خود فاضل
و باقی دارند بقرار ذیل اجراء شود .

الف: گد امداران و تحویلدارانیکه خرید و فروش دارند
از یک رقم جنس فاضل و از یک رقم جنس باقی
باشند فاضله آنها به تقسیم همان سال و باقی
شان به قسمت همان سال معین شود فاضله از آن
مجرع داده شود و اگر خرید و فروش نداشته
باشند فاضله جو عوض باسرقه جو ارسرے
و یا فاضله جو ارسرے عوض باسرقه جو بقرار
قیمت فوق مجری شود .

ب: تحویلدارانیکه جنس تحویل شان شده و همچنین جنسی

استدلال کلی
در این باب

کار طلوس و مس تسه و برنج و آهن و فولاد و تفنگ
انگیزی و کابلی و پناه پر و دهن پر و غیره و غیره
چند نفر از امورین تصفیه محاسبه با اتفاق
علم آورده هر قدر تغییرات مذکور نزدیک
از یک رقم باشد با اتفاق دستخط نموده از جنس
هر رقم بر رقم آن مجرسته شود.

(۱۷) — اجناسیکه در باقی تحویلداران باشد و اجناس مذکور
موجود نباشد بقرار قیمت همان سال که مال تحویل ار شده
قیمت آن گرفته شود.

(۱۸) — کسانی که فوت و یا مطلق نامعلوم باشند و مال تحویلی داشته
موجود می نشده باشد و بتحویل دیگر تحویلدار نگردیده باشد امورین
تصفیه محاسبه با ضمیمه اجازت آمرافوق خودشان بیک
اشخاص معتمد مقرر داشته مال موجوده او بتحویل تحویلدار
لازم باشد تحویل بدارند و رسید تحویلدار را بخرج حساب
مذکور مجرسته بدارند.

(۱۹) — خوراکه مال مواساتی که از ملک و گدازندار محاسبه سرکاری
ملازمین کنند بقرار رسیدهای یک مهر خود نگرفته و در خرج

حسابات مجری شده و در ثانی سنجشها باز گشت کرده
و در باقی بصیغه سند طلب آورده اند بقرار ذیل اجرا
کرده شد.

الف: بدفتر کند علم آورده شود اگر جیره مقرری همان
مواشی بدفتر مانده باشد مجری داده شود.
ب: اگر بدفتر سرکار جیره مقرری مالی مواشی طلب
مانده باشد قبضه سرسره مذکور را بخرید سلطان مجری
بدهند.

ج: تا نایبک حیات باشند و جاداد داشته باشند
رسید و سببی که بهر شان که جیره مال خود را
برده باشند با سبی خود شان حواله شود تا نایبک
فوت و فرار باشند یا جاداد نداشته باشند
بعد از استحصالی اسناد قوی که در فوت و فرار
دلاوار شده بجهت جاداد بودن همان نایب سند
شمرده شود، اینطور بقیات جزئی فطر
کرده شود، اسناد قوی مراد از جاداد
شرعی که در آن تصدیق کائنات گذر و یا تصدیق

علاقه دار و قسریه دار و از حاکم باشند
گفته میشود .

(۲۰) :- در باب خوراکه نظامی که از کد امهائے سرکاری و از نزد
دفتریان ملک بقرار رفته در رسید خود نگرفته باشند
بتفصیل ذیل اجرا گردد :-

الف :- بدفتر نظام علم آورے شود اگر بقرار قلمداد
دفتریان به تنخواه او شان مجرمی شده باشد
برائے عاملان و کد امداران مجرمی داده شود .
ب :- اگر تنخواه نظامی بهمین غرض بدفتر نظام معطل
کرده شده باشد حالا بموجب اسناد شان
بداخل تشخیص تنخواه شان مجرمی نموده برای
عمال و کد امداران مجرمی داده شود .

ج :- اگر نظامی تنخواه خود را کاملاً برده باشند
بالا سرے همان نظامی حواله کرده شود و برای
عمال و کد امداران مجرمی داده شود .

د :- اگر نظامی فوت و لا وارث و بی جاداء
شناخته شود مطابق قاعده فوق الذکر

که در بار فناء بیان گنند تحریر یافته بعمل آورده
از طرف دولت معاف گفته میشود.

(۲۱) --- در کاتیک در جمع عهده دار و یا امانی کار بسته شده باشد
و دیگر موضع تکرار داخل قلمداد آمده باشد و یا در جمع عهده
علفده بسته شده باشد تکرار بر آن از قسار
مجلای شرعی و غیره که بتصدیق حکام و دفتریان
همان زمان رسیده باشد و یا حالا بقرار قاعده دفتر
تکراری آن ثابت شود در حساب مجری داده شود.

(۲۲) --- در خصوص اطلاق سرکاری و مندرجات و مکاتبات
ملکی و خیریه و غیره که مأمورین دولت مقرر بودند و
در عمل مأموریت شان نسبت بعمل نال گذشته کسر
واقع شده و در دفتریان کسر عمل گفته در حسابات
شان افسر و در تحویل داده اند و مکاتبات کسر عمل
در حساب مجری شود.

(۲۳) --- عهده دار اینکه اطلاق سرکاره و یا وجوآت را متعهد
شده اند و یا بطور تقاضای براس خریداری اشیا
بشرائط معین قرار داد نموده اند و از طرف دولت

بشرائط قرار دادشان رفتار نشده و تا حال
حساب شان قطع نگردیده باشد قرار ذیل اجرا شود
و اگر سابق حساب شان قطع شده باشد بهمان
صورتیکه قطع شده درست است :-

الفصل - بعضی معاملات را مثلاً پنجساله قرار داد
نموده اند و در بین یکسال و دو سال از طرف
دولت بدون قصور اجاره دار حکماً فسخ عهده
شان شده باشد سالهای آن را که کاملاً
عمل کرده باشند بقرار عهده برابر حساب
حساب و گرفته شود، همانسال ناقص که
اجاره شان از طرف دولت فسخ شده است
اضافه عهده برابر معاف و اصل آنرا بدون
اضافه جمع گرفته تاریخ عمل کرده شان منجمله
و گرفته شود، و اگر خود عهده برابر مستحق شده
باشد و یا از طرف دولت بسبب بد معامله کی
شان فسخ تعهد آنها گردیده باشد تاریخ
عمل کردی آنها از قرار اصل و اضافه گرفته شود.

کتابخانه ملی ایران

ب:- بعضی معاملات را بشرط تقاومی و یا آباد

کاریز و جوئے وغیرہ بعمده قبولدار شده اند

و از طرف دولت شرائط مذکور اجرا نشده حتماً

اینطور کسان از قسرها اصل جمع بدون اضافت

قطع شود و اگر اینچنین املاک لا مرزوع بوده

بیچ عمل نکرده باشد قطعاً معاف شود.

ج:- بعضی اجناس که به نرخ معین قرار داده شده

بشرط تقاومی هر قدر وجه آنرا برده باشند

از قسرها نرخ قرار داد مجری شود و قهر در

وجه آن داده نشده باشد تفاوت نرخ آن

گرفته نشود.

(۲۴):- اسباب خورد و ریزه که قیمت آن هر کدام یک شاهی و

سنار الی میکروپیه شود مثل قطعه باز و شطرنج

و گوت تخمه نرود و صابون و قلم و پاکت و غیره که

نگهداشت آن تکلیف بوده در باقیه توجو بیدار

آمده باشد مجری داده شود.

(۲۵):- بعضی اجناس که بخرج میرسد مثلاً در خانه سامانه

در کتاب این علم بان ... یاد شد

پاکت و کاغذ، پن، کاغذ گیر، کتابچه، سرمیزی
شمع، لاک، که براسے مصارف و بقدر ضرورت
داده شده و تصدیق مصرف را حاصل نکرده در باقی
افتاده این قسم اشیاء محرجی شود.

(۲۶): — بعضی اجناس که در جمع و خرج باسے تحویلدار از
موجودی گذشته باسم داغمه تحویل شده و یا باسبیکه
از تحویلی خود تحویلدار باستعمال اغیره میشود و داغمه آن
قیمت ندارد و نگه داشت آن براسے تحویلدار آن
تکلیف است اینهمه اسباب در حسابات ماضیه محرجی
داده شود.

(۲۷): — اشخاصیکه از دفتر پادشاه تقاوی بر گرفته بودند که
اینقدر اشیاء میرسانم و اگر به این موعده نرسایندم
اینقدر جریمه میدهم و در قریان جریمه مذکور را در باقی او
افزود نموده اند جریمه آن معاف کرده شد گرفته نمیشود.

(۲۸): — اشخاصیکه وجه تقاوی براسے خرید اشیاء گرفته بودند
که باین قدر نرخ بالمقطع اینقدر اشیاء میرسانم و بد فائز
پادشاهی جنس مذکور بقرار قبولی شان بجمع شان بستند

ترتیب این عمل نام دارد

چون جنس را نرسانیده اند از قرار قیمت ماه گران بالای
شان قیمت شده دولت تفاوت تسعیر ماه گران را معاف
فرموده باقی نرسیده گی شان را از قسار وجه برده گی
و قرار داد شان حساب کرده شود.

(۲۹) : — باقیات هائیکه از سالهاست گذشته الی اخیر ۸۲ شمسی

در حسابات تحصیلداران باقی مانده است سال سال
از حساب یک تحصیلدار بحساب دیگر تحصیلدار داده شده
ند اینقسم باقیات که الی پانزده سال قبل ازین باشد
کم شود و موافق نظامنامه که در باره باقیات قبل از پانزده
ساله وضع میشود در آن باب محمول دارند.

(۳۰) : — جریمه جاتی که از باعث غفلت خدمت و یا شبهه ذری

و غیره جریمه شده باشد و خود مجرم فوت باشد جریمه از ورثه
گرفته نمیشود. جریمه مذکور مجری داده شود.

(۳۱) : — کسر خشکی چوب سوخت و صابون و رنگ و ریشه و انار پوت

و قرار امتحاناتی که در سابق امتحان شده مجری داده میشود.

(۳۲) : — اشیا و بزمه و تحویلداران از سالهاست مانده باقی مانده

و سال سال در جمع خرج های شان باقی افتاده آنچنان

استحبابیکه گفته و خراب و فاسد شود و یا شکست بخورد
پیدا میکند امثال بوریا و ترکمن و تنگ و تو بره و جوال
و بوری و ریشمان غنی و مولی و چاقی و کوزه و افتاب گلی
و جاروب و یک و غلیظه تیل سوز همیشه لعل تن و اینه
قطعی و غیره چسبند تا نیکه جنس مانع و هوا میشود مثل پترو
تیل خاک و مشربیات و غیره امثال آن مجری داده شود.

(۳۳) --- خانه تا نیکه براسه کدام سرکاره و یا براسه نشین
مأمورین دولت بکرایه گرفته شده باشد و یا دکانهای شتی
که براسه پاره ناسره کو تو الی بکرایه گرفته شده اینطور
کرایه بموجب تصدیق مأمورین همان زمان که موجود باشد
و یا در حساب نشان داده شده باشد مجری داده شود.

(۳۴) --- دکانها سرکاره و حمام و سرائی تا که خراب شده
و یا کرایه نشین پیدا نشده عاملان سرکاری مجاز
خرابی و لا عمل بودن آنها بدست دارند و دفتریان قرار
سالمها سرگذاشته در جمیع عاملان بسته اند از قرار
تصدیق تا نیکه بدفتر داخل است یا موجود باشد
مجری کرده شود.

(۳۵) — تغییر رقم کاغذات صکوکات ذمه نامورین کبر رقم باقی
 قیمت گذاشته شده و وجه نقد باقی افتاده و از دیگر
 رقم فاضل می باشد نامورین اظهار دارند که بسبب اجرا
 کار از دیگر رقم بعضی دیگر رقم بمصرف رسیده درین صورت
 فاضل و بایستی آن از قرار قیمت معین تسعیر گردیده
 مجری کرده شود و اگر قیمت فاضله اضافه شود استحقاق
 مجرای را ندارد.

(۳۶) — اسپ های سقطی و مرکب دشته کنند که پوست
 و داغ و ذم آنرا تحویل نموده اند و بسبب تغییر نشان
 و رنگ مجری داده نشده است و بر ذمه نائبان همچنان
 باقی گذاشته و یا قیمت آن معین گردیده ذمه گی نائبان
 گفته میشود درین صورت اسپ کبر کچر و سرخنگ بسرخنگ
 و سمند بسمند مجری کرده شود نشان چند تار سفید و یا
 یک پاسبید و قشقه براق تحقیق نشود.

(۳۷) — غله گداهار و بخر اسپ آورده و بقرار اجازه مرکز و باقرا
 صوابدید و حکمنامه های تکام برای رعایا بصیغه
 تقاوی داده شده و گداهار حجت شرعی و یا عرفی بتصدیق

حاکم گرفته خود گذار فوشت شده و یا موقوف گردیده
 ققائوی مذکور را بدفتر قلمداد داده و از دفتر براسی تحصیل
 داده شده و درین قلمداد سال تحصیلدار را غفلت نموده الحال
 که باقی رعایا در تحت معافیه آمده از قرار سندات
 رعایا و حکمنامه براسی گذارداران مجری داده شود.
 (۳۸) — تعمیرات سرکاری که براسی مستاجر بطور اجاره
 قرار داده شده و اخراجات آن بقرار پیمایش اول
 داده شده چون درین قلمداد سال پیمایش ثانی
 نشده اصل حواله داده گئی در باقی کارداران باقی
 افتاده اگر الحال پیمایش ثانی شود چون سالها گذشته
 در تعمیر مذکور تعمیرات زیاد شده اگر تصدیق تمامی کار
 مذکور موجود باشد بقرار پیمایش اول مجری داده شود.
 (۳۹) — استیالیک در جشن با و عیدین و غیره شکست و ریخت
 پیدا کرده و یا مفقود شده باشند در همان تاریخ تصدیق
 کارداران همان زبان را تحویلداران بدست داشته
 باشند تصدیق مذکور بخرج تحویلداران مجری گردد شود.
 (۴۰) — در باب مرمتکارسی و کاه کل کاری تعمیر با طها و جهات

عسکری و پهلپا و غارات شاهى که بقرار رفته حکام و
منصبداران نظامى شده و فترت بان خارج آنرا فتر
نداده فرمان پادشاهى را طالب پيما ششند اگر فتر
مذکور براس دولت باشد و مکتوب و خط ماکم منصف
همان وقت بدفتر سرکارى داخل باشد فترى
داد شود.

(۴۱) — عمال و ضابط و اجاره دار اینک بعد از معزولی بدفتر
پادشاهی حاضر شده باشد و باسقه ذمگی خود را جزو
جاء ادق بولی داده و از دفتر تحقیق شده و سند آن
ملاحظه شده باشد و تحصیلدار داده شده و اختیار
حواله و تحصیل از عمال و اجاره دار سلب شده از زمان
جاء اد داده گی سالها گذشته و از یک تحصیلدار دیگر
تحصیلدار دست بدست گشته و تحصیلدار آن غفلت
نموده اند جاء مذکور علم آورده شود هر قدر در جای
مذکور قبولی اسامی و سند آن موجود باشد و داخل
معاضه امانی نیامده باشد گرفته شود و به قیاس در فوت
و فرار و لا حصول و سند قبولی آن باشد چون عمال

وہی ہے جس نے

اختیار تحصیل را نداشته و از خدمت موقوف شده
بودند ملزم گفتند نیشوند لا حصولی شان بجز
داده شود.

(۴۲) - مثال و ضوابط و عهد و دار که وجود و است بزمه شان
با سکه مانده باشد و جاداد خود را بزمه رعایا بپردازند
جاداد سنا لهما سه سابق را که بد فاقتر یا دشا هی
بزمه رعایا قلمداد نموده باشد و تحصیلدار درین قده
سال در تحصیل آن غفلت نموده باشد و یا دفترها
بتحصیلدار نداده باشند اگر بقرار سند حسابی جاداد
شان صحت باشد چون باقی ذمه کی رعایا تحت معا
میاید بجز مله داده شود.

(۴۳) - اشخاصیکه بقسم مفروض و یا ناقص و مهاجر بامر دولت
از یک ملک بدیگر ملک آورده شده تقاومی و بذرا
شده و یا مالیه املاک بزمه شان مانده در ثانی املاک
از نزد شان و افسر گرفته شده خود شان فوت
یافتند و یا بوطن اصلی خود مراجعت نموده اند
باقی ذمه کی شان در حساب معاف و مجری داده شود.

(۴۴) : — اشخاصیکه از مأمورین و اجاره داران باقیده سرکار باشند و اسم شان بدفتر باشد محل سکونت آن از دفاتر پادشاهی معین نشود مأمورین محاسبه بجا دارند تحقیق نمایند اگر ممکن معلوم کردن نشود بموجب سند تحقیق بایسته مذکور در جمله لاصولی آورده شود .

(۴۵) : — مأمورین و اجاره داران که باقیده سرکار باشند خواه نقد خواه جنس سکونت شان از مرکز ولایتانی شش گروهی باشند الی پخروپیه ، و از شش گروهی الی پنجاه گروهی تابسیهت روپیه باید در تحت تحصیل و حواله داده نشود در جمع و خرج با بقسم معانی مجری داده شود .

(۴۶) : — مأمورین و عهده داران که بسبب باقیات در محبوسخانه میباشد چون در تصفیه محاسبات شان علم آوری نشده عمالتاً فقرات کار نفری مذکور فیصله شود .

(۴۷) : — مأمورین و عهده دارانیکه در حسابات شان باقیده بودند و باقی شان قبل از فیصله تحصیل داده شده و اشخاصیکه بدون حساب بطریق زیر شش بالاسی شان حواله شده باقی مذکور را دستخط قبولی نکرده اند باقیات مذکور تا حال

مانده باقیاتها سه مذکور و سپس تسلیم مأمورین تصفیه محال
ماضیه شود که بر فقره را بقرار قواعد این نظامنامه فیصله
نموده فقره فقره مذکور که تصفیه و تمام گردید صرف باقی
انرا بعد از قبولی تحصیلدار بدینند.

(۴۸) — مأمورین و اجاره دارانیکه در یک ولایت مأمور بوده و
باقیدار شده و حال خودشان بدیگر ولایت بوده باشند
و از یک ولایت باقیاتشان بدیگر ولایت قلمداد شده
و در حساب خود گفتگو نمایند بدو تفسیر یقین
اجرا شود: —

الف: — باقی که بر ذمه مأمورین و اجاره داران مانده باشد
و باقی شخصی گفته شود نقل او از جبهه نقل حساب
از همان ولایت خواسته شود روانه دارند
مبا بطلب رعایا که از قسم برداشت مأمورین
باشد و سندات برداشتشان نزد رعایا
باشد و مأمورین در اینجا عذر ملاحظه کنند خود را
بدارند در این صورت یا خود اسامی بولایت مفسوس
رفته فیصله میدارد و یا وکیل گرفته روانه میدارد

و اگر قبول دار باشد اداسی دین میدهد و
 ب. باقی که از قسم جاداد ملک باشد اگر جاداد مذکور
 در ملک باشد و اسپس براسی نائب الحکوم و
 مستوفی روانه شود که علم در جاداد و فقره گفتگویی
 آورده هر قدر که در تحت معانی و ذمه کی رعایا
 باشد معاف و باقی آنرا مطابق قواعد نظامنامه
 ملاحظه نمایند .

(۴۹) — در کاتیک در دفعه مصارفات تشخص و اخراجات و اغریه طلب
 حواله داده شده و دانسته آن بتحویل خانه ماکتول
 نشده و یا از جیره جیره خورده کسراست معلوم گردد و انچه
 نشده و یا بعضی فقرات تصدیق طلب و حیاتی طلب
 که برات داده شده و یا جیره و خرجی منظر و برین چندی
 که الی تقدیم نمودن حضور از دفعه فرضی داده شده
 و یا بعضی بروات را بدون پابهری براسی اسانی
 داده اند و امثال این فقرات که ذمه کی رعایا گفته
 میشود معاف است .

(۵۰) — در پاسبانیت مقتولین که شرعاً بالاسی رعایا دیت میشود

و یا آن مال مسروقه که بالاسرے رعایا امر داری شده
 و بالاسرے آن جزیرہ سرکاری نیز افزوده شده و در جمع
 و خرج باقی میسر باشد بقرار فقرات ذیل فیصله شود :-
 الف - جزیرہ سرکاری هر قدر که حصول شده باشد
 و مخزانہ دولت رسیده باشد مجری است
 و هر قدر که از رعایا گرفته شده و به سرکار
 رسیده باشد از عامل و ضابط و حکام گرفته
 و تحویل خزانہ شود باقی که بر ذمہ رعایا ماند
 چون ذمہ گے رعایا در تحت معافی آمده مجری
 داده نشود .

ب - وجه دیت که تعلق ورثہ مقتولین و صاحب مال
 داشته باشد اگر موافق شرعی باشد و بر ذمہ
 اعلیٰ باقی مانده باشد بقرار امر شرع شریف و نظامنا
 مخصوص آن تحصیل براسرے ورثہ و صاحب مال داده
 میشود و از کسانی که وجه دیت شرعی شان حصول شده
 و به خزانہ دولت رسیده باشد و براسرے ورثہ
 مقتول داده نشده باشد بقرار رسید شرعی برآ

در تحت معافی قرار میگیرد

در نه و مقتول بالاسی خزانہ برات داده شود
 اما فیصلہ اولیہ قاضی کہ در باب دیت اجرا
 شدہ ملاحظہ شود تاحق در نہ و حقیقی براسی
 دیگرے داده نشود تا وان مال و دیت مانیکہ
 بقرار احکام کتابچہ محکومتی شدہ باشد
 و بر ذمہ مالی باقی باشد گرفتہ میشود
 و معاف است .

(۵۱) : وجہ اعانہ طرابلس غرب و عروسی معین سلطانہ صفا
 و وجہ خیرات و وجہ مہراند کہ نامورین و اہل قبولہ
 شدہ و عصریہ و جریمہ و غیر حاضرے کہ بد فائز سرکاری
 داخل است و تاحال نرسیدہ و باقی ماندہ معاف گفتہ
 میشود مجری داده شود .

* *

*

شماره اقساط

(۵۲) :- استخانی که باقی شان بقرا قواعد ایات این
نظامنامه بصحت برسد، مطابق بیانات ذیل تحصیل
کرده میشود :-

الف :- کسانی که قبل ازین باقیات خود را قبولدار
گرددیده دولت بهمهراهِ ایشان قسط نموده است ،
عیناً همان قسط حکم منظوری دارد اخلال کرده نمیشود .
ب :- کسانی که باقیات شان بموجب اخراجات این
نظامنامه معین میشود و قبولدار میگردند هرگاه صاحب
جاداد باشند در کابل بذریعۀ والی و در ولایات بواسطۀ
نائب المحکومه یا و حکام اعلیٰ نظریه هستی و جاداد همان باقیات
از یکسال الی پانزده سال قسط قمره نموده برای دولت
حجت حاصل میدارند .

ج :- استخانی که باقیده بدولت بوده جاداد داشته

باشند و یا جادادشان با قید ہی آنها را پوره نکند هرگاه
 آذنان تندرست و جوان باشند بکار ما^{دولت}ے شاقه^{دولت} و
 اشغال^{صفه} نگردیده از وجه شهریه شان از دو ثلث الی مناسف^{صفه}
 بر اے نفقه خود آنها داده شود و از یک ثلث الی مناسف^{صفه}
 عوض باقی دنگی شان بر اے دولت گشتانده شود
 و اگر ضعیف و سال خورده باشند هیچ تکلیف به آنها نکرده
 و اگر داشته شوند .

د : کسانی که قبولد ارقط نباشند و جمله هستی خود را
 بعوض طلب دولت بر اے دولت و اگر ارباشند
 هستی این طور اشخاص بموجب قبائله شرعی اخذ کرده
 میشود و بر اے نشین اینطور باقیات دیان جای سکونت
 مطابق شرع شریف داده شود و در باره خود آنها^{اندازه} موا^{اندازه}
 تفصیل (ج) بعمل آورده شود .

ح : کسانی که با قید اربوده فوت شده باشند هر
 از جاداد و هستی آنها بر اے ورثه شان مانده باشد

موقوف آن از ورثه آنها گرفته شود هرگاه جاداد موروثی
 اینچنین اشخاص باقی دولت را پوره نکند باقی دولت بقسم
 معافی مجرے شود و اضافه بر آن بجاداد هستی ورثه
 آنها تعلق ندارد .

و : — کسانی که فوت و نامعلوم باشند و جاداد نداشته
 باشند باقیات اینطور اشخاص بموجب تحقیقات حکام
 که سند حاصل دارند در تحت معافی آورده میشود .
 ن : — کسانی که بمیراثشان قط مقرر میشود الی اداے
 باقیات خود هستی خود را فروخته نمیتواند اگر بغرض اداے
 قسط بفروش برساند اصل مبلغ فروش عوض باقیاتش
 سگرفته میشود .

(۵۳) : — بدون قواعدات مفصله مذاکر بعضی فقرات
 پیش شود که در جمله قواعدات این نظامنامه نیامده باشد
 نفری مامورین تصفیة محاسبه باصیة فقرات مذکور را
 بطور لایحه مرتب نموده حواله شوراسے دولت میدارند

البتة بعد از تصویب مجلس شورای مملکت
مجلس عالی وزیر بطور ضمیمه درین نظامنامه اینراد
کرده میشود .

(۵۴) : کسانی که از مامورین خلاف این نظامنامه
رفتار بد ازند و یا کسانی که از حساب دیوان سرکشی نمایند
مطابق نظامنامه جزای عمومی در تحت مجاکمه گرفته میشود .
در کابل وزارت مالیه و در اطراف نائب الحکومه یا
و حکام اعلی و مستوفیان ولایات و سر رشته داران
اعلی به اجرا سے این نظامنامه مامور و مکلف هستند .



